



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۷ آبان ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۴۵

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تعریف پول - نظر برگزیده

جلسه: ۹

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### نظر برگزیده در تعریف پول

تعاریف چهارگانه پول را در جلسه گذشته ذکر کردیم و علاوه بر اشکال مشترک ورود به این تعاریف، به برخی از اشکالات اختصاصی هر یک از این تعاریفات پرداختیم. البته آنچه در این مجال در پی آن هستیم، یک تعریف اجمالی از پول است؛ اما تحلیل ماهیت پول امری است که نظرات مختلفی درباره آن ارائه شده و ان شاء الله ما به این نظریات خواهیم پرداخت و آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ از جهات متعدد، پول مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که ان شاء الله در مباحث بعدی به آن می‌پردازیم.

آنچه اکنون موضوع بحث ماست، تعریف پول است؛ حالا این تعریف باید طبیعتاً مبین حقیقت پول باشد. با توجه به نکاتی که در جلسات گذشته ذکر شد، در واقع یک امر و یک ویژگی در همه انواع پول برجسته است و ما می‌توانیم آن را مشاهده کنیم، و آن هم ارزش مبادله‌ای آن است؛ اساساً سیر تطور پول از مرحله کالا به کالا یا به تعبیر دیگر «اقتصاد پایاپای» تا امروز که «اقتصاد پولی» از آن تعبیر می‌کنند، نشان می‌دهد که همواره یک چیزی وجود داشته که دارای ارزش مبادله‌ای بوده است؛ لکن در گذشته و در اقتصاد پایاپای و کالا به کالا، علاوه بر ارزش مبادله‌ای، ارزش مصرفی و استعمالی هم وجود داشت. در آن زمان یک کالایی که به عنوان کالای معیار قرار می‌گرفت، به واسطه رغبت مردم و تقاضای بیشتر نسبت به آن، در مقایسه با سایر کالاها دارای ارزش مبادله‌ای می‌شد، ضمن اینکه ارزش مصرفی هم داشت؛ و چه بسا رغبت و تقاضا نسبت به ارزش مصرفی آن باعث می‌شد که در بین سایر کالاها یک ارزش اضافه و افزوده‌ای هم پیدا کند به عنوان ارزش مبادله‌ای. قبل از آن، چون معاملات و ارتباطات بسیط بود، هر کسی آنچه را که بدان نیاز نداشت می‌داد و در مقابلش آن شیء مورد نیاز را می‌گرفت؛ مسأله رغبت عمومی و تقاضای کلی نسبت به یک کالایی مطرح نبود؛ بلکه مثلاً افراد همسایه بودند، در یک محل زندگی می‌کردند. اما به دلایلی که ما به بخشی از آنها اشاره کردیم، برخی کالاها نسبت به بقیه بیشتر مورد رغبت بودند و تقاضا نسبت به آن زیاد بود، و لذا دارای ارزش مبادله‌ای می‌شدند؛ یعنی ارزش مصرفی موجب ارزش مبادله‌ای شد و این ارزش مبادله‌ای مورد توجه و رغبت عمومی واقع گردید.

پس این دو مسأله را توجه بفرمایید که ارزش مبادله‌ای مرغوب، یعنی مورد رغبت؛ مرغوب که می‌گوییم یعنی نزد عرف و نزد همگان؛ اینها نسبی است، مرغوبیت علی الاطلاق لازم نیست داشته باشد. در اقتصاد پولی هم این ارزش مبادله‌ای برای آن چیزی که نام پول بر آن می‌نهند وجود دارد؛ اگرچه ارزش مصرفی آن دیگر مثل گذشته نیست؛ یا اساساً می‌گوییم ارزش

مصرفی ندارد یا به تعبیر برخی، ارزش مصرفی تبدیل شده به ارزش مبادله‌ای؛ یعنی یک ارزش مبادله‌ای صرف. این کماکان در پول هست؛ به علاوه، مورد رغبت عمومی هم هست. حتی در زمانی که پولی مثل دینار و درهم این دو ارزش را با هم داشتند، یعنی هم ارزش مصرفی و هم ارزش مبادله‌ای، اما این دو نزد مردم و معامله‌گران و مبادله‌کنندگان کاملاً از هم تفکیک شده بود؛ وقتی که با دینار یا درهم مبادله می‌کردند، هیچ توجهی به ارزش مصرفی آن نداشتند؛ این دو کاملاً از هم جدا بودند، یکی حیث کالایی و مصرفی و دیگری حیث پولی. آنچه که دینار و درهم را به عنوان پول معرفی کرد، ارزش مبادله‌ای آن بود. البته اینکه این ارزش توسط عقلاً ایجاد شده بود، یعنی عقلاً خودشان به یک کالای مصرفی ارزش مبادله‌ای داده بودند یا دولت‌ها این کار را می‌کردند یا یکی به ضمیمه دیگری موجب ارزش مبادله‌ای این دو می‌شد، این بحث دیگری است. امروزه ارزش مبادله‌ای پول صرفاً توسط معتبر ایجاد می‌شود؛ حالا پشتوانه لازم دارد، اینکه خود اعتبارکننده چه کسی باشد و از جایگاه اعطاء ارزش به چیزی که به عنوان پول شناخته می‌شود برخوردار باشد یا نباشد، اینها بحث‌های دیگری است. مهم این است که مثلاً این اسکناس‌های امروزی ارزش مبادله‌ای دارند و مورد رغبت عموم هم هستند؛ پس اگر بخواهیم فراگیرترین و عمومی‌ترین ویژگی پول را در همه دوران‌ها نام ببریم، همین ارزش مبادله‌ای است، و البته رغبت عمومی به آن. بر این اساس، من می‌خواهم عرض کنم پول عبارت است از: «چیزی که دارای ارزش مبادله‌ای است و مورد رغبت عمومی واقع شده است». ارزش مبادله‌ای دارد و رغبت به آن هم وجود دارد.

#### اشکال

ممکن است گفته شود تعریف چهارم هم همین بود، اشکالی که به تعریف چهارم شد این بود که دارد به یکی از کارکردهای پول و وظایف پول اشاره می‌کند، در حالی که حداقل یک وظیفه دیگر هم برای پول وجود دارد. به علاوه، این مبین حقیقت و ماهیت نیست، بلکه تعریف شیء به لوازم آن است.

#### پاسخ

پاسخ ما این است که ما از هویت و ماهیت و حقیقت پول سخن می‌گوییم؛ می‌گوییم پول چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای است. این فرق می‌کند با آن بیان که بگوییم وظیفه پول، وساطت، مبادله و داد و ستد است. کارکردهای پول را طبق نظر مشهور سه چیز بیان می‌کنند: وسیله مبادله، معیار سنجش ارزش و وسیله ذخیره ارزش. اگر ما بگوییم پول چیزی است که وسیله مبادله است، جای آن اشکال هست که شما دارید پول را به وظیفه و کارکردش معرفی می‌کنید و این تعریف به لوازم شیء است؛ اما ما می‌گوییم پول چیزی است که ارزش مبادله‌ای دارد. ارزش مبادله‌ای داشتن در حقیقت بیان هویت پول است؛ اگر بگوییم پول چیزی است که با آن ارزش اشیاء را می‌سنجند، این تعریف به آثار و لوازم است؛ اگر بگوییم پول چیزی است که با آن ارزش را ذخیره می‌کنند، جای آن اشکال هست. ما هیچ‌کدام از اینها را نمی‌گوییم؛ ما می‌گوییم پول چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای است. خود ارزش مبادله‌ای داشتن، ویژگی ارزش داد و ستد و مبادله پیدا کردن، این جزء مقومات پول است. پس یک رکن پول این است که چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای است.

دوم، رغبت عمومی به آن وجود دارد؛ چون ممکن است بعضی چیزها ارزش مبادله‌ای پیدا کنند اما مورد رغبت عمومی نباشند. یک کسی به جهات شخصی، خصوصیت‌های منحصری که دارد و یک شخص نسبت به آن اهتمام دارد، ارزش مبادله‌ای پیدا کند، اما مورد رغبت عمومی قرار نگیرد.

ما می‌گوییم این دو جزء با هم مقوم حقیقت پول هستند؛ اگر بخواهیم یک تعریف روشن، شفاف و روان برای پول بیان کنیم، به نظر ما این تعریف، تعریف نسبتاً کامل‌تر از بقیه است؛ نمی‌گوییم هیچ اشکالی ندارد؛ بالاخره این تعاریفات نوعاً شرح الاسمی است و به یک معنا تعریف حقیقی نیست؛ مثل آنچه که مرحوم آقای آخوند در کفایه یا دیگران انجام داده‌اند، اینکه انسان بر جنس و فصل حقیقی اشیاء چه امور خارجی و چه امور اعتباری که خودش خلق می‌کند احاطه پیدا کند، این یک امر مشکلی است و بلکه می‌گویند محال است. این نکته را هم توجه داشته باشید که بالاخره این یک تعریف شرح الاسمی است، اما در میان تعاریف شرح الاسمی بر سایر تعاریف رجحان دارد، چون تلاش شده که ناظر به حقیقت پول باشد؛ وقتی ما می‌گوییم چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای است، یعنی خودش واجد این ارزش است و ما به کارکردش کار نداریم؛ بله، ثمره‌اش هم هست، هر چیزی که ارزش مبادله‌ای پیدا کند، ما حتی به منشأ این ارزش هم اشاره نکردیم در این تعریف؛ چون منشأ ارزش مبادله‌ای برای یک چیز، می‌تواند یک فرد باشد، می‌تواند یک نهاد یا دولت باشد یا خود عقلاً باشند. خیلی از چیزهایی که عقلاً می‌پذیرند و به رسمیت می‌شناسند، همه بالاخره محصول یک توافقی است که تدریجاً بین عقلاً حاصل شده است. ما حتی منشأ آن را هم ذکر نکردیم، به خاطر اینکه همه انواع پول را در بر بگیرد؛ چه آنهایی که ناشی از اعتبار معتبر است، چه آنهایی که ناشی از ارزش مصرفی آنهاست.

#### **شمول تعریف برگزیده نسبت به پول حقیقی و اعتباری**

به تعبیر دیگر، این تعریف هم پول حقیقی را دربرمی‌گیرد و هم پول اعتباری محض را. پول حقیقی در مقابل پول اعتباری است. پول حقیقی مثل دینار و درهم، پولی است که خودش ذاتاً ارزش مصرفی دارد و ارزش مبادله‌ای هم پیدا کرده است. به عبارت دیگر ارزش مبادله‌ای آن چه بسا ناشی از ارزش مصرفی باشد؛ اما ارزش مصرفی آن نادیده گرفته شده است. ما در پول فقط به ارزش مبادله‌ای نگاه می‌کنیم و هیچ کاری به ارزش مصرفی آن نداریم؛ لذا شما می‌بینید یک زمانی گوسفند پول کالایی بود، چون ارزش مبادله‌ای پیدا کرده بود، هر چند ارزش مصرفی هم داشت، لکن مشکل اصلی این بود که ارزش مبادله‌ای کالایی مثل گوسفند دوام نداشت و به تبع عوامل بیرونی می‌توانست از بین برود. اینها گاهی محدود به یک زمان و مکان معین بودند، خصوصیات اینها تغییر می‌کرد، مشکلاتی پدید می‌آمد، اما ارزش مبادله‌ای طلا و نقره طبیعتاً برتر از ارزش مبادله‌ای گوسفند بود؛ چون هم خودش یک شیء گرانبها بود و ارزش مصرفی خاصی داشت. وقتی دینار و درهم یا ورق‌های طلا و نقره یا شمش‌ها را که هنوز مسکوک نبودند و ضرب خاصی روی آنها صورت نگرفته بود، ارزش مبادله‌ای پیدا کردند، دیگر کاری به ارزش مصرفی و استعمالی آن نداشتند و اینها کاملاً از هم تفکیک شده بودند.

در پول اعتباری هم همینطور؛ این اسکناس‌ها هیچ ارزش مصرفی ندارند یا بسیار ناچیز؛ تنها چیزی که اینها را از یک ورق کاغذ دفتر من و شما ممتاز کرده، همان ارزش مبادله‌ای آنهاست. به این کاغذ پول می‌گوییم چون دارای ارزش مبادله‌ای است؛ به دینار و درهم هم پول اطلاق می‌شود چون دارای ارزش مبادله‌ای است؛ در گذشته به آن کالای خاص هم پول اطلاق می‌شد، چون ارزش مبادله‌ای داشت. امروز این پول‌ها همه اعتباری است. ارزش مبادله‌ای اینها اعتباری است، ارزش مصرفی ندارند؛ اما یک بحثی که خواهد آمد این است که مالیت اینها آیا حقیقی است یا اعتباری؟ آیا مالیت دارند یا ندارند؟ اگر دارند، مالیت آنها حقیقی است یا اعتباری؟ ما به هر حال پول را چه حقیقی بدانیم و چه اعتباری علی‌اختلاف المبانی و المسالك

نسبت به پول‌های امروزی، همه اینها این ویژگی را دارند که ارزش مبادله‌ای دارند؛ هر چیزی که ارزش مبادله‌ای داشته باشد، به آن پول اطلاق می‌شود و هر چه که این ارزش را نداشته باشد، پول نیست.

نکته مهم این است که این ارزش مبادله‌ای بالاخره باید مورد رغبت قرار بگیرد. اگر ارزش مبادله‌ای صرفاً محدود به یک جنبه خصوصی و شخصی باشد، این معلوم است که نمی‌تواند پول باشد. پس اگر ارزش مبادله‌ای به این درجه نرسد که رغبت عمومی نسبت به آن شکل بگیرد، این پول نیست.

پس اجمالاً تعریفی که برای پول می‌توانیم ذکر کنیم و شاید احسن از سایر تعاریف باشد، همین تعریف ساده، روشن و بسیط است که ما گمان می‌کنیم مبین حقیقت پول اجمالاً است. شما به تمام اقتصاددانان و حقوق‌دانان بگویید جنس و فصل پول چیست، خودشان هم نمی‌دانند؛ جنس و فصل به معنای منطقی برای پول را واقعاً نمی‌توانند تعیین کنند. ممکن است ده‌ها امر را ذکر کنند و هر کسی مدعی شود این جنس پول یا فصل پول است؛ ما به این جهت هم ادعا می‌کنیم این تعریف به یک معنا شرح الاسمی است ولی شاید نزدیک‌ترین تعریف به ذاتیات پول و حقیقت و ماهیت پول باشد.

سؤال:

استاد: این را اشاره کردم که در پول اعتباری که ارزش مبادله‌ای با اعتبار حاصل می‌شود، نکاتی باید حتماً مورد توجه قرار بگیرد. یکی خود معتبر است، یکی مسأله پشتوانه است. آن وقت اینجا بحث پیش می‌آید که اگر مثلاً اسکناس یک پشتوانه‌ای مثل طلا و نقره داشته باشد، این سند است یا نه؟ سند مال است یا سند دین است یا اینکه خودش مال است، این را بعداً بحث می‌کنیم. اما بالاخره الان مسلم است که پول‌های کاغذی و اسکناس دیگر پشتوانه طلا و نقره ندارند. شما الان به نوشته‌های فقها تا ۵۰ سال پیش مراجعه کنید، مسلم دانسته‌اند که پشتوانه اسکناس، طلا و نقره است. اصلاً این مفروض خیلی از بحث‌های آنهاست؛ اما امروز واقعاً اینطور نیست و مسأله کاملاً متفاوت شده است. اما این چه چیزی دارد که اشیاء دیگر ندارند؟ ارزش مبادله‌ای است.

سؤال:

استاد: آنها مثل سفته؛ سفته در حقیقت یک رسید است؛ این را بعداً می‌گوییم که آیا چک و سفته و امثال آن، سند تعهد است یا سند دین است، اینها فرق می‌کند؛ آنها را بعداً می‌گوییم که آیا اسناد هم عنوان پول بر آنها اطلاق می‌شود یا نه، این را عرض خواهیم کرد.

سؤال:

استاد: بر فرض هم داشته باشد، مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ شما وقتی می‌گویید انسان حیوان ناطق، نیاز به توضیح ندارد؟ چرا؛ لازم نیست آن اجزاء تشکیل دهنده یک مفهوم همه بدیهی باشند، می‌توانند بدیهی باشند و می‌توانند نظری باشند؛ این مشکلی ایجاد نمی‌کند.

سؤال:

استاد: می‌تواند اعطایی و اعتباری باشد ... در گذشته چرا، یک کالایی ارزش مصرفی داشته و بعد ارزش مبادله‌ای پیدا کرده است؛ یعنی هر چه جلوتر آمدیم پیوند ارزش مصرفی و ارزش مبادله‌ای به سمت کم‌رنگ شدن و قطع شدن رفته است؛ حتی

امروز می‌گویند اسکناس ارزش مصرفی‌اش در ارزش مبادله‌ای آن است، اگر این تعبیر درست باشد .... می‌گوییم خودش واجد این ارزش است؛ چیزی که واجد این ارزش باشد .... شیء که عام‌ترین مفهومی است که برای هر چیزی می‌توانید قرار بدهید ... من می‌گویم شیء که دارای ارزش مبادله‌ای است ...

در بعضی نوشته‌ها مطالبی آمده است که باید اینها را بررسی کنیم. یکی اینکه آیا پول چیزی است که ارزش مبادله‌ای را از قوه به فعل تبدیل می‌کند یا نه. آیا پول یک ارزش مبادله‌ای خلق می‌کند یا نه؛ اصلاً چیزی که ارزش مبادله‌ای نداشته باشد، پول نیست. اینکه بگوییم پول ارزش مبادله‌ای خلق و ایجاد می‌کند ... دو سه مطلب را در بعضی نوشته‌ها گفته‌اند که به نظر ما نادرست است، که در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»